



وقتی رمان آموزشی هم می دهد

ادبیات تعلیمی به معنای عام آن (یعنی ادبیاتی که حکمت و اخلاق و از این دست می آموزاند و پنددهنده است) پیشینه‌ای کهن در ادبیات جهان دارد. برای نمونه، می توان از «بهشت گم‌شده، جان‌میلتون یا در ادبیات فارسی خودمان از «گلستان سعدی» و «مثنوی معنوی» مولانا و جز این ها نام برد. نوعی مشهور از این ادبیات کارهایی است که از قالب های داستانی سود می جوید و روایتی را دستمایه رسیدن به هدفی دیگر قرار می دهد. در این آثار، قصد نویسنده از نقل ماجرا، سرگرم کردن مخاطب یا ارائه کاری هنرمندانه نیست (اگرچه خیلی وقت ها این اتفاق ها نیز می افتد)، بلکه هدف آموختن چیزی است. این چیز می تواند مسئله ای اخلاقی و تربیتی یا فقط درباره علوم انسانی و هنر و... باشد. امروزه که شاید بتوان گفت مطرح ترین نوع داستان و روایت، قالب رمان است. این قالب به خدمت آموزش نیز درآمده است. در این نوشته می خواهیم نمونه هایی را معرفی کنیم که علوم انسانی را با بهره بردن از رمان به مخاطب معرفی می کند و دانسته هایی مربوط به آن را در اختیار او قرار می دهد. یادآور می شوم که به مفهوم رمان نگاهی روادارانه داشته ام و درباره ویژگی های فنی و ادبی این قالب سخت گیری نکرده ام.

● سوفی در دنیای از دانستن

«دنیای سوفی»، نوشته یوستین گِردِر، از آثار پرمخاطبی است که علوم انسانی را به هیئت داستان معرفی می کند. نویسنده این کتاب پرجحم که دانش آموخته فلسفه و الهیات و ادبیات است، آن را در سال ۱۹۹۱ در کشورش نروژ به چاپ رساند. او قصد داشت تاریخ فلسفه را به زبانی ساده برای نوجوانان شرح دهد، اما کتاب نه فقط مخاطب هدفش، بلکه توجه بزرگسالان را هم جلب کرد. «دنیای سوفی» داستان دختری نوجوان به نام سوفی است که از شخصی نامه ها و نوارهایی دریافت می کند. آن شخص برای دختر پرسش های بنیادین بشر و تاریخچه ای از اندیشه و دانایی را عرضه می کند. در بخشی از کتاب اتفاق عجیب و جالبی رخ می دهد که آن را از تاریخچه معمولی فلسفه فراتر می برد و به ادبیات نزدیک تر می کند.

● سفری زیر آسمان مذاهب

«دنیای تشو»، نوشته کاترین کلمان فرانسوی، کتاب دیگری در زمینه آموزش داستانی علوم انسانی است. این رمان ماجرای سفرهای نوجوانی چهارده ساله به نام تشو را تعریف می کند که اسباب آشنایی او با دین ها و آیین های متعددی می شود که در جهان وجود دارد. او ضمن سفر با همراه و راهنمایش، عمه مارتا، آگاهی هایی درباره ادیان ابراهیمی یهود و مسیحیت و اسلام پیدا می کند.

● ناکامی در تکنور و کامیابی در نویسندگی

استقبال خوانندگان از کتاب های آموزشی مانند آنچه یاد کردیم و دریافت های شخصی نویسندگان ایرانی باعث شده است که ما شاهد نمونه های وطنی رمان آموزشی هم باشیم. «من، آقای نویسنده و... بانو»، نوشته پوپک راد که سال ۱۳۷۷ منتشر شد، مصداقی از این امر است که داستان دانش آموزی را روایت می کند، پسری که نتوانسته است به نتیجه کنکورش و درس خواندن در رشته

دل خواه خانواده رضایت والدین را کسب کند. او تصمیم می گیرد سراغ علاقه شخصی اش، ادبیات، برود و نویسندگی بیاموزد. قهرمان داستان با نویسنده ای آشنا می شود که اطلاعات پایه داستان نویسی را در اختیارش می گذارد. آقای نویسنده ضمن گفتن از مباحث داستانی مانند زاویه دید و شخصیت و گفت و گو و جز این ها، نویسندگان و آثار مطرح را به پسر معرفی و نمونه هایی از داستان های برجسته را برایش تحلیل می کند.

زین قنبر

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

بیمار به هوش آمد. (درست ✓)

بیمار بهوش آمد. (نادرست ✗)

باید بهوش باشیم. (درست ✓)

باید به هوش باشیم. (نادرست ✗)

● نکته

«به وقتی صفت می سازد، پیوسته می آید: بهوش، بيسزا، بحق، بيجا، بهنجار، بسان، بقاعده.»

#زین-قنبرپارسی

نگاهی به زوایای پنهان منافقین



معرفی کتاب

کتاب «استراتژی و دیگر هیچ» به بررسی زوایای پنهان اهداف و فعالیت های سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در دهه های گذشته می پردازد و در تحلیل شناخت این سازمان و اندیشه های سران آن در دوره های مختلف انقلاب اسلامی، اطلاعات منحصر به فردی در اختیار خواننده قرار می دهد. به گزارش ایرنا، ناصر رضوی از مسئولان اطلاعاتی و امنیتی در نهادهای بزرگ کشور (اعم از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی) بوده که بیش از سی سال عمر خدمتی اش را فقط در حوزه التقاط و به شکلی ویژه در مبارزه با سازمان مجاهدین خلق (منافقین) طی کرده است. احاطه رضوی زمینه های گوناگونی را در بر می گیرد که از آغاز مرحله به اصطلاح سیاسی سازمان مزبور شروع می شود، دوره های متعدد و متنوع و یزگزاک گونه مر حله نظامی را هم شامل

گفت وگو با حجت جوان، مدیر بزرگ ترین مرکز پخش کتاب در شرق کشور

پیوست فرهنگی برای کار اقتصادی



و فاخر بپردازیم. البته این کار کمی از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نیست، ولی در راستای رسانائی است که برای خودمان تعریف کرده ایم؛ هرچند کار تنهایی در حوزه فرهنگ سازی مشکل است و همه سازمان ها و خود جامعه هم باید کمک کنند.

● به عنوان کسبی

پخش کتاب شده است، آیا در این اوضاع اقتصادی و سخت شدن چاپ و انتشار کتاب و رونق گرفتن بازار کتاب های صوتی و الکترونیکی، آینده ای برای این شغل متصور هستی

اگر آدم فقط دنبال سودآوری اقتصادی باشد، ورود به این شغل را پیشنهاد نمی کنم، ولی اگر علاوه بر آن کمی دغدغه های فرهنگی و فرهنگ سازی هم داشته باشد، برایش خوب است. ضمن اینکه نگاه اقتصادی لازمه این کار است. چون آدم های بسیاری بوده اند که با سرمایه زیاد وارد این کار شده اند و به علت نداشتن شش اقتصادی از بازار حذف شده اند و ذهنیت بقیه را هم درباره سرمایه گذاری در این صنعت خراب کرده اند. بنده در این حوزه قصد گسترش کارم را اول به کشورهای فارسی زبان و بعد به کشورهای خلیج فارس دارم.

از طرفی، موضوع پخش کتاب حواشی مختلفی دارد که باید به همه جوانبش بپردازیم. قسمت های باید با هم دیده شود. چون پذیرش کتاب در جامعه، به عنوان یک کالای اساسی، دچار مشکل است.

این اتفاقی است که در همه صنایع در حال شکل گیری است. با گسترش فناوری و نوآوری در فروش، فرایند رسیدن مشتریان به محصول آسان تر خواهد شد، ولی وقتی صحبت از سبد کالایی می شود، ما وارد بازار می شویم، نمی شود از تولید کننده و ناشر کتاب های جدی انتظار داشت که کتاب شعر و کتاب کودک و مازیک و کاغذ و هزار قلم چیز دیگر داشته باشد. این موضوعی که اشاره کردید، بی تأثیر نیست، ولی تأثیر آن چنانی بر بازار ما ندارد.

● چقدر برای پخش کتاب، پرفروش بودن اثر ملاک است؟ آیا این موضوع برای کسی که کتاب پخش می کند، اهمیتی دارد؟

اگر پخش کننده ای بخواهد کسب و کارش را بچرخاند، چاره ای جز این ندارد که سراغ کتاب های پرفروش برود، برای اینکه فضای محدودی به عنوان انبار در اختیار دارد و از این فضای محدود توقع حداکثر گردش مالی را دارد. طبیعی است که کتاب هایی که گردش بهتری در بازار و رسوب کمتری در انبار دارند، بهتر هستند. ماهم سعی کرده ایم با معیارها و خط قرمزهایی که برای خودمان تعیین کرده ایم، از این قانون پیروی کنیم.

ما همه کتاب های پرفروش را نمی آوریم. همان طور که همه کالاهای تحریر پرفروش را هم نمی آوریم. سعی می کنیم فرهنگ سازی کنیم و دست کم خودمان از فروش کالاهای خارجی کمتر سود ببریم، در عوض به فروش کالاهای ایرانی

کاری را بشود انجام داد، هم به شهر کمک کرده ایم و هم به شهرستان های اطرافش. ضمن اینکه از نظر تکنیکی محصول نباید در انبار فروشگاه تلنبار شود. تصمیم گرفتیم این انبار را ما درست کنیم و خواب سرمایه را برای فروشگاه ها به کمترین حد ممکن برسانیم.

● چطور ناشران را ترغیب می کنید کتاب هایشان را به شما بدهند؟ آیا مسئله فقط اندازه درصدی است که پخش کنندگان می گیرند؟

ما با وعده ایجاد بازار جدید، وارد گفت و گو با ناشران می شویم. چون پخش کننده های تهرانی به سمت شهرستان های کوچک نمی روند. در حالی که اگر کتاب به آن مناطق برسد، هم بازار جدیدی برای ناشر ایجاد می شود و هم برای شرکت پخش کننده اعتباری به همراه دارد. این فرایند را برای ناشر توضیح می دهیم. ضمن آنکه ما به توجه به نیاز بازار حرکت می کنیم و محصولات فرهنگی دیگری را علاوه بر کتاب در سبد کالایی مان اضافه کرده ایم. این طوری فروشگاه های بیشتری را زیر پوشش قرار می دهیم و این مزیتی برای ناشران فراهم می کند.

● نظراتان درباره فروش اینترنتی و مستقیم کتاب از خود ناشر چیست؟ فکر نمی کنید با این اتفاق شما از این چرخه حذف می شوید؟

اطلاع رسانی می کند. ولی ما سعی کرده ایم مدل به روزتری را امتحان کنیم؛ مدلی که بعضی پخش های بزرگ تهران هم آن را انجام می دهند. به این ترتیب که سایت «بی توبی» ایجاد کرده ایم. این سایت بین کتاب فروشان و ناشران قرار می گیرد و کتاب فروشان می توانند کتاب هایشان را انتخاب و در سبد کالایی شان قرار دهند.

● چه ضرورتی داشت که در شهری مثل مشهد به حوزه پخش کتاب وارد شوید؟ چه نیازی دیدید؟

ایجاد این شغل در جایی غیر از تهران زیاد منطقی به نظر نمی رسد. چون در تهران ناشران اصلی بغل گوش شرکت های پخش هستند. در شهرستان ها به خاطر دوری مسافت این دسترسی سخت تر می شود، هزینه های زیادتری را بر پخش کننده تحمیل می کند و از نظر زمان هم گاهی به مشکل برمی خورد. برای همین در شهری غیر از تهران کسی به دنبال پخش کردن کتاب نمی رود. این موضوع باعث ایجاد خلای جدی شده است که اگر کسی بتواند آن را پر کند، هم از نظر اقتصادی مقرون به صرفه است و هم کتاب فروشان با مشکلات کمتری دست به گریبان خواهند بود. در مشهد به دلیل وجود فروشگاه های بزرگ و همچنین نیاز بازار، فکر کردیم اگر چنین

در مشهد به دلیل وجود فروشگاه های بزرگ و همچنین نیاز بازار، فکر کردیم اگر چنین کاری را بشود انجام داد، هم به شهر کمک کرده ایم و هم به شهرستان های اطرافش

مختلف در پرداخت به داستان معصومین^(ع) بیان کرد: از جمله این ظرفیت ها می توان به موقعیت های پیرامونی غیر تاریخی اشاره کرد. به عنوان نمونه بارگاه قدسی امام رضا^(ع) در مشهد، فراتر از برهه تاریخی حضور ایشان در ایران فرصت های درخور توجه روایی و داستانی را فراهم کرده است، به این معنا که نحوه زیست ویژه ای برای زائران و مجاوران بارگاه حضرت فراهم شده است که می توان آن را در ضمن ادبیات رضوی تقسیم بندی کرد.

این نویسنده توجه به موقعیت های پیرامونی غیر تاریخی را فرصتی مغتنم و توسعه پذیر در ادبیات رضوی بیان کرد و افزود: در این موقعیت نحوه ارتباط اعتقادی و حسی و زیستی علاقه مندان حضرت و انتقال تجربه های آنان به گستردگی جغرافیای ایران اسلامی و فراتر از آن می تواند موضوع داستان رضوی شود.

ادبیات داستانی ما را آماده کرده است تا در گامی بلندتر معصومین^(ع) را به عنوان شخصیت داستانی برگزینیم.

به گفته شاکری، توجه به معصومین^(ع) در ادبیات داستانی در سطوح و اشکال مختلفی محقق شده است. وی می گوید: از جمله این سطوح، پرداخت به دوره تاریخی این شخصیت های قدسی با محوریت آن هاست که این نحوه پرداخت با مخاطراتی همراه بوده است. از جمله اینکه انتساب گفته و فعل به معصومین^(ع) شبهه تشریع را در پی خواهد داشت. شاکری با تأکید بر ضرورت توجه به ظرفیت های

شاکری با اشاره به اینکه توجه به شخصیت های برجسته دینی و به طور خاص معصومین^(ع) نتیجه ظهور ارزش های دینی در ادبیات داستانی دوره پیروزی انقلاب اسلامی است، افزود: پرداختن به شخصیت های قدسی و به طور خاص معصومین^(ع) فرصت ها و دشواری های خاص دارد.

این نویسنده با بیان اینکه در گونه ادبیات داستانی دفاع مقدس و گونه ادبیات داستانی انقلاب اسلامی شاهد کنشگری و نقش آفرینی شخصیت های معاصر بر پایه الگوهای فکری و عملی معصومین^(ع) هستیم، گفت: این



درنگ

احمد شاکری، نویسنده و پژوهشگر ادبیات دینی و انقلاب اسلامی، در گفت و گو با اینا تاکید کرده که نویسنده داستان های رضوی می تواند از ظرفیت موقعیت های پیرامونی غیر تاریخی از جمله بارگاه قدسی امام رضا^(ع) به عنوان موضوع خلق داستان بهره زیادی ببرد.

احمد شاکری با بیان اینکه رشد ادبیات گونه ای به ویژه در گونه داستان تاریخی و داستان معصومین^(ع) متأثر از جریان ادبیات داستانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به صورت فزاینده ای در حال توسعه است، توضیح داد: در فضای ادبیات داستانی همان طور که افراد، نویسندگان و کنشگران ادبی تأثیر می گیرند، گونه های ادبی نیز از یکدیگر متأثر می شوند، یا گونه ای موجب تولید و رشد گونه دیگر می شود.